

خلاصه گزارش

من فقط طلاق می‌خواهم. نمی‌توانم به خانه پدرم برگردم؛ او مرا خواهد کشت. تمام اعضای فامیل مرا طرد کرده‌اند. —عایشه اچ. 20 ساله که به جرم "فرار از منزل" به سه سال حبس محکوم گردیده است. جرم عایشه این است که جهت رهایی از خشونت های فیزیکی مردی که پدر عایشه دختر اش را وادار کرده بود تا با این مرد به صفت زن دوم اش ازدواج کند، فرار کرده است.

حکومت باید بداند که دختران مانند من بیگناه هستند. حکومت نمی‌بیند که ما اطفال هستیم و قلب های ما در این محیط خیلی باهم نزدیک شده است. — گل پری ام. 16 ساله که به جرم ارتکاب زنا پس از اینکه در روز عروسی اش اختطاف گردید، توقیف شده است.

امیدوارم که بتوانید به این زنان کمک کنید. قضایای "فرار از منزل" باید توسط متنفذین محلی حل و فصل گردد- نه در محابس. حتی در قضایای پیچیده تر حکومت میتواند چیزهای بهتری را انجام دهد، مانند نگهداری زنان در خانه های امن و یا فراهم ساختن زمینه های کاریابی برای آنان... — آمر محبس زنان (برای اینکه هویت اش فاش نگردد، از ذکر نام اش خود داری می‌گردد).

هما ک. صرفاً 12 سال داشت زمانیکه مجبور شد با مردی ازدواج کند که 10 سال از وی بزرگتر بود. شوهر هما علاوه بر معتاد بودن به مواد مخدر شراب هم مینوشید و در ضمن اینکه هما و دو دختر اش را همیشه مورد لت و کوب قرار میداد، از تامین مخارج خانواده هم عاجز بود. یک روز در سال 2009 میلادی شوهر هما یکی از دختران اش را آنقدر لت و کوب نمود که دندان هایش شکست. هما و دختران اش به کمک پدر کلان و پسر کاکایش به ولایتی دیگری فرار نمود. پس از حدود یکسال زندگی مخفیانه در بخشی دیگری افغانستان، هما به جای رفت که والدین اش در نزدیک آن محل زندگی میکردند. ولی پس از چند ماه موظفین عدلی و قضایی وی را به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" با "فرار نمودن از منزل" و جرم "زنا" (روابط جنسی خارج از ازدواج) دستگیر نمودند. شوهر هما وی را متهم کرده بود که با پسر کاکایش { شخصی که به هما کمک کرده بود تا فرار کند}، روابط جنسی داشته است. در نهایت، هما به هفت سال حبس محکوم گردیده و اکنون همراه اطفال خویش دوران حبس را سپری میکند. در حال حاضر هما 22 سال دارد.

پس از سقوط حکومت طالبان در سال 2001 میلادی تاکنون، پیشرفت های زیادی در بخش حقوق زنان و دختران در افغانستان رونما گردیده است. در بخش های این

مملکت که تحت کنترل دولت میباشد، محدودیت های شدیدی وضع شده بر دسترسی زنان به فرصت های آموزشی، کار و مراقبت های صحتی برداشته شده است. تعدادی زیادی از زنان در پست های دولتی ایفای وظیفه نموده، در انتخابات اشتراک کرده و دو باره در ابعاد مختلف جامعه افغانستان حضور یافته اند. در سال 2004 میلادی قانون اساسی جدید افغانستان تصویب شد که این قانون حقوق برابر زنان را تضمین میکند. و همچنین در سال 2009 میلادی قانون منع خشونت علیه زن ازدواج های زیرسن، ازدواج های اجباری، خشونت های فامیلی، تجاوزجنسی، مجبور نمودن به فحشاء و سایر اعمال خشن علیه زنان را ممنوع قرار داده و برای مرتکبین آن مجازات جدیدی را تعیین نمود.

رئیس جمهور حامد کرزی نیز تا حدودی جهت حمایت از حقوق زنان تلاش نموده است. که این تلاشها افزایش میزان عفو و تخفیف مجازات زنان و دختران محبوس به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" که هم به ابتکار شخص رئیس جمهور و هم به تقاضای گروه های جامعه مدنی صورت گرفته است، را در بر می گیرد. رئیس جمهور در آخرین فرمان خویش مبنی بر عفو محبوسین و مجوزین که به تاریخ 8 مارچ 2012 صادر گردید، دستور داد تا "زنان ... که به جرم فرار نمودن از منازل والدین به منظور ازدواج با اشخاص مطلوب شان محکوم به حبس گردیده اند و یا زنیکه از منزل فرار نموده و با افراد مورد نظرشان ازدواج کرده اند، بدون قید و شرط رها گردند."

ولی این تغییرات واقعیت های تاریکتری را در عقب خویش پنهان میکند که زنان افغان با آن مواجه اند. جاییکه تبعیض عمومیت داشته و خشونت های وحشتناکی مانند ازدواج های اجباری و زیرسن و خشونت های فامیلی تجربه شده توسط هما به ندرت مورد تعقیب عدلی قرار میگیرند. زنان که از خشونت های تحمیلی فرار میکنند به جای دریافت کمک از موظفین پولیس، نهادهای عدلی و قضایی و همچنین مقامات دولتی غالباً با بی توجهی و استهزاء این مقامات مواجه شده و به جرم ارتکاب "جرایم اخلاقی" مجازات میگردند.

این گزارش بر اساس 58 مصاحبه با زنان و دختران افغان در سه محبس زنانه و سه مرکز اصلاح و تربیت اطفال و همچنین با فعالین جامعه مدنی، مسئولین محابس، نارنوالان، مقامات دولتی، مسئولین خانه های امن، فعالین حقوق زن، مشاورین حکومتی و متخصصین حقوقی و امور زنان تهیه گردیده است. این گزارش روی مشکلات زنان و دختران که متهم به ارتکاب جرایم "فرار از منزل" و "زنا" شده اند، تمرکز دارد. عمل زنا که در قوانین افغانستان جرم زا انگاشته شده است در تضاد با تعهدات حقوقی بین المللی این کشور قرار می گیرد. قضایای جزایی غالباً بر اساس شواهد و مدارک غیر موثق بررسی گردیده، بر اساس اعترافات فاقد اعتبار قانونی توسط محاکم فیصله گردیده و اکثراً منجر به حبس های طویل المدت برای زنان و دختران میگردد. این گزارش تعداد بیشتر از سی قضیه را که در آن زنان به اتهام ارتکاب "جرایم" فوق الذکر مجازات گردیده اند، مورد توجه قرارداده و نقش منفی موظفین پولیس، نارنوالان و قضات در مجازات نمودن زنان و دختران که به نظر آنان مرتکب همچون جرایم شده اند، را مورد بررسی قرار میدهد.

با بررسی قضایای متذکره، گزارش‌ها در این مورد نشان می‌دهد که نظام عدلی و قضایی افغانستان بر ملا میسازد. این بی‌عدالتی مضاعف عبارت است از تطبیق جدی مجازات وضع شده بر "جرایم اخلاقی" ای که تعریف مشخصی از آنها ارائه نشده است و برعکس تطبیق ضعیف قانون منع خشونت علیه زن. این در حالی است که زنان و دختران که از خشونت‌ها فرار می‌کنند اکثراً محکوم به حبس می‌گردند و لی مردان که مسبب خشونت‌های فامیلی و ازدواج‌های اجباری بوده و باعث فراری ساختن زنان و دختران می‌گردند، تقریباً همیشه از تعقیب عدلی معافیت حاصل می‌کنند.

مشکلات زیادی در راستای تحقق حقوق زنان و دختران در افغانستان وجود دارد. گزارش‌های قبلی دیده بان حقوق بشر تعدادی از این مشکلات به شمول حملات طالبان بر زنان و دختران، محدودیت‌های شدید وضع شده نسبت به آموزش زنان، خشونت‌های جنسی، ازدواج‌های اجباری و ازدواج اطفال، عدم دسترسی زنان به نهادهای عدلی و قضایی، کشته شدن زنان دارای وجهه اجتماعی و مشکلات موجود در قبال کار زنان را بررسی نموده است.¹ این راپور مخصوصاً روی جرم زاشدن "جرایم اخلاقی" تمرکز دارد، چونکه جرایم متذکره مثال‌های بارز سوء رفتارها و تبعیض‌های اعمال شده علیه زنان و دختران در قوانین و عملکردها می‌باشد. ما باور داریم که جرایم اخلاقی از جمله موضوعات است که آوردن اصلاحات جدی ای که بتوانند زندگی زنان و دختران افغان را بهبود بخشد، نسبت به این جرایم حتی در شرایط دشوار کنونی امکان پذیر است.

در حالیکه احصائیه‌های دقیق در مورد تعداد زنان و دختران محبوس وجود ندارد و یا اگر موجود است در دسترس عموم قرار نمی‌گیرند، دیده بان حقوق بشر بر اساس تحقیقات و کارهای قبلی این سازمان که در اواخر سال 2011 میلادی در سه محبس انجام داده است، تخمین می‌کند که در جنوری 2012 تعداد تقریبی 400 زن و دختر در افغانستان به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" زندانی گردیده‌اند. که این تعداد تقریباً نصف زنان (بزرگ سال) زندانی در محابس افغانستان و تمام اطفال دختر تحت توقیف در مراکز اصلاح و تربیت اطفال را تشکیل می‌دهد.

خشونت‌های اعمال شده علیه زنان و دختران متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" نه تنها بالای صدها زن و دختر که بطور سالانه دستگیر میشوند تأثیرات منفی می‌گذارد بلکه این پدیده بالای تمام زنان و دختران افغان متضرر از ازدواج‌های اجباری و زیرسختی، خشونت‌های فامیلی، و یاسایر خشونت‌ها اثرات مخربی برجای خواهد گذاشت. حبس نمودن زنان و دختران فراری از خشونت‌های تحمیلی پیام روشنی را برای دیگران ارسال می‌کند و آن اینکه: کوشش نکنید تا از زندگی مخاطره‌آمیز فامیلی تان فرار کرده و یا خواهان کمک از خارج فامیل گردید؛ چونکه اگر شما دنبال حمایت‌های قانونی و تأمین عدالت بروید، ممکن است به عوض دریافت کمک، مجازات گردید.

• • •

¹ - به عنوان مثال، راپور دیده بان حقوق بشر تحت عنوان "وعده‌های جهان یا ما است: حقوق زنان در افغانستان"، دسامبر 2009، <http://www.hrw.org/reports/2009/12/03/we-have-promises-world-o>؛ و راپور این سازمان تحت عنوان "افغانستان - طالب 10 دالری و حقوق زنان، جولای 2010، <http://www.hrw.org/reports/2010/07/13/ten-dollar-talib-and-women-s-rights-o>.

زنان افغان - مخصوصاً زنانیکه خارج از شهرهای عمده زندگی میکنند، مجبور اند تا طبق قواعد و مقررات سختگیرانه تدوین ناشده به زندگی شان ادامه دهند. این زنان مجبور اند هنگام مسافرت به فاصله های دور تر و یا رفتن از یک قریه به قریه دیگر و یا از قریه به شهرها محرم شرعی خویش را که همانا یکی از خویشاوندان مذکر و یا شوهرشان میباشند، باخود داشته باشند. در غیر آن به صفت یک زن "بی حیا و بداخلاق" در میان مردم محل معرفی خواهند شد. در این مناطق با اینکه امکانات آموزشی به مراتب بهتر در مقایسه با زمان طالبان برای زنان فراهم شده است ولی هنوز تعدادی نصف از دختران به مکاتب نمیروند. این در حالی است که در فاصله هر دو ساعت یک زن و یا دختر افغان نسبت به مشکلات و امراض مربوط به حاملگی جان خویش را از دست میدهد. بخشی از این مرگ و میرها به این خاطر است که دختران مجبور اند به مجرد بالغ شدن ازدواج نموده و پیش از آنکه بدن آنها به حدکافی رشد کند، طفل به دنیا می آورد.

زنان افغان از لحاظ سواد، فقر و امید به زندگی در بدترین و پایین ترین سطح نسبت به زنان در سایرکشورها قرار دارند. اکثر زنان و دختران که هنگام تهیه این گزارش با آنان مصاحبه صورت گرفته است، گفته اند که در زندگی شان مشکلات فراوانی را تحمل کرده اند. به شمول رنج بردن از محیط زندگی خشونت آمیز و ازدواج های اجباری(اکثراً در سنین پایین با مردان بزرگ سال) که این عوامل اکثراً باعث فرار آنان از منزل و در نهایت دستگیری شان توسط موظفین ارگانهای عدلی گردیده اند.

زمانیکه زنان و دختران تصمیم میگیرند که جهت رهایی از پیوندها و روابط خشونت آمیز و تحمیلی فرارکنند، والدین خشمگین، برادران، نامزادان و شوهران شان به شکل دوامدار این زنان را تعقیب نموده و آنان را متهم به ارتکاب جرایم فرار از منزل و یا زنا میکنند. اعضای مذکر فامیل با داشتن اطمینان از اینکه رفتارهای جرمی شان مورد غور و بررسی قرار نخواهند گرفت، به آسانی از همچون اتهامات به عنوان حربه استفاده میکنند. آنان با همکاری مقامات ذریط دولتی که ادعاهای شانرا به اسانی و بدون کدام تحقیق قبول میکنند، میتوانند زنان را متهم به زنا نمایند. چون میدانند که این زنان به احتمال زیاد به مجرد ادعای آنان دستگیر خواهند شد. زمانیکه اتهام وارد گردد، زنان اغلباً به ناحق تحت معاینات طب عدلی قرار گرفته و به حیثیت و اعتبارشان شدیداً لطمه وارد میگردد. حتی اگر اتهامات وارده هیچگاهی ثابت هم نگردد. حتی محض تهدید به متهم ساختن نیز میتواند حربه ای باشد که از آن جهت کنترل نمودن زنان استفاده صورت گرفته و جرایم تحمیل شده بر آنان به شمول ازدواج های اجباری و زیرسن، تجاوز جنسی و مجبور نمودن به فحشاء از این طریق پوشیده نگهداشته شده و یا توجیه گردد.

باید خاطرنشان ساخت که زنان و دختران همیشه بدون یاور و یا هم همکار نمی باشند. گاهی بعضی از اعضای خانواده مانند پدر کلان هما، پیشنهاد رفتن به خانه های امن و یا حمایت از آنان را میکند و گاهی هم بعضی از مقامات افغان شجاعانه از زنان دفاع میکنند. با کمک مالی دونهها و حمایت های دولت تعداد معدودی خانه های امن تقریباً در نصف ازقلمرو افغانستان ایجاد گردیده است. این خانه ها حمایت های لازم را برای زنانیکه از خشونت ها و ازدواج های اجباری فرار میکنند، فراهم میسازند.

به هر حال، تدابیر اتخاذ شده ای از این قبیل از چند لحاظ ناقص بوده و کافی نیست. زنان و دختران اکثراً از موجودیت همچون خانه های امن اطلاع ندارند؛ تعداد این خانه خیلی کم بوده و نمیتواند از زنان متهم به ارتکاب جرایم حمایت کنند. بر علاوه، تبعیض به شکل حاد آن در برابر زنان و دختران در هر مرحله رسیدگی قضایی اعمال میگردد. تعدادی زیادی از مقامات دولتی نورمهای تدوین نشده اجتماعی را به جای حمایت از زنان متضرر از خشونت تطبیق میکنند. اغلباً موظفین پولیس نیز از پدران و شوهران اطاعت میکنند. مثل قضیه هما. در همچون قضایا پدران و شوهران با پولیس تماس گرفته از آنان میخواهند تا زنان و دختران فراری شانرا دستگیرکنند. به ظن پولیس اگر یک مرد از زن اش شکایت کند و یا زن بدون اجازه شوهر خارج از خانه باشد، این زن بی حیا و بد اخلاق میباشد. درب عضی قضایای ادعا شده ای "جرایم اخلاقی" پولیس زنان و دختران را که به خانه های امن پناه برده اند، دستگیر کرده است.

پس از دستگیری زنان، پولیس معمولاً اظهارات آنان را در یک فضای تهدید آمیز و بدون حضور وکیل مدافع و یا حتی یکی از دوستان زن دستگیر شده اخذ میکند. به زنان و دختران گفته میشود که اعترافات را شصت نمایند که آنان قادر به خواندن آن نبوده و کسی آنرا برای این زنان و دختران قرائت هم نکرده است. این "اعترافات" اغلباً تنها شواهد و دلایلی است که به محکمه ارایه شده و معمولاً منجر به محکومیت ها و حبس های طولانی مدت برای زنان میگردد.

به استثنای مواردی خیلی محدود، اغلب اوقات ثارنوالان و موظفین پولیس از انجام تحقیق در مورد ادعای زنان مبنی بر اینکه آنان جهت رهایی از خشونت از منزل فرار کرده اند، اجتناب مینمایند. قضات فیصله های شانرا بر اساس شواهد و معلومات بی ربط مانند شکایت کتبی شوهر از زن خویش که در آن شوهر ادعا میکند که زن اش از وی اطاعت نمی کند و باید مجازات گردد- بدون ارایه کدام شواهد و دلایل حقوقی، صادر میکنند.

در جریان تحقیقات خویش، ما هیچ شواهدی را دریافت نکردیم که کسی در پروسه عدلی و قضایی به شکل معقول پرسیده باشد که آیا زنان که به اتهام داشتن روابط جنسی غیرمشروع محاکمه میگردند، عمل جنسی را با رضایت انجام داده اند و یا مورد تجاوز قرار گرفته اند. به عنوان مثال، در یکی از دوسیه های محاکم که دیده بان حقوق بشر آنرا مرور نمود، خانم تهمینه ج. 18 ساله ادعا میکند که وی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. به عوض تعقیب و تحقیق در مورد ادعای تهمینه، فیصله صادره محکمه اخطار میدهد که زنان باید بدانند که خارج شدن آنان هنگام شب از منزل خطرناک بوده و یا اینکه زن متضرر نباید سر و صدا نماید تا همگی صدای او را بشنوند. محکمه نتیجه گیری میکند که دومرد تهمینه ج. را به یک تعمیر متروکه برده و مورد "تجاوز جنسی" قرار داده است ولی با آنهم تهمینه را محکوم به جرم زنا نموده دوسال و شش ماه حبس برایش صادر میکند. که هم اکنون تهمینه ج. در حال سپری نمودن دوران حبس اش میباشد.

ستره محکمه افغانستان از طریق مصوبه عمومی خویش که در آن به قضات هدایت میدهد تا با "فرار از منزل" به حیث جرم رفتار نماید در حالیکه این پدیده در قوانین وضعی افغانستان جرم انگاری نشده است، در حقیقت تبعیض علیه زنان را رسماً تایید

میکنند. ستره محکمه پیشنهاد میکند که زنان متضرر از خشونت بجای فرار از منزل باید به دولت شکایت کنند. ولی طوریکه این گزارش نشان میدهد، پیشنهاد ستره محکمه برای اکثر زنان و دختران غیر مصئون و حتی غیر ممکن میباشد. چون زنان و دختران مطمئن نیستند که در صورت شکایت آنان به ارگانهای دولتی موظفین پولیس، ارگانهای عدلی و قضایی و ادارات دولتی با آنان کمک خواهند کرد. برعکس، اکثر زنان و دختران که با آنان مصاحبه کردیم، اظهارداشتند که پس از مراجعه به ارگانهای دولتی نه تنها با آنان کمک صورت نگرفته است بلکه وضعیت شان بدتر شده است.

زمانیکه دیده بان حقوق بشر از ثارنوالان پرسید که چرا آنان زنان و دختران را به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" تحت تعقیب عدلی قرار داده ولی حتی تحقیقات ابتدایی را در مورد ادعای آنان مبنی بر اینکه آنان قربانی خشونت قرار گرفته اند، انجام نمیدهند، ثارنوالان معمولاً در پاسخ به این سوال خنده میکردند. ثارنوالان توضیح میدادند که زنان و دختران که به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" توقیف میگرددند، دارای اخلاق ناسالم و زشت بوده و به همین خاطر برای توجیه اعمال زشت شان داستان های غیر واقعی جهت اثبات بیگناهی شان میسازند. تعدادی دیگری از ثارنوالان میگفتند که خشونت های ادعا شده آنقدر شدید نبوده است تا ایجاب نماید که شوهرمجازات گردد. یکی از ثارنوالان حتی در اتهامنامه خویش علیه زنی که چندین بار توسط شوهر اش لت و کوب شده و با ضربات پیچکش از ناحیه سر، سینه و بازوها جراحت برداشته و بعداً فرار کرده بود استدلال میکرد که خشونت های اعمال شده آنقدر شدید نبوده است که ایجاب مجازات نمودن شوهر را نماید.

از نظریه‌های بعضی زنان که دیده بان حقوق بشر با آنان مصاحبه نموده است، محکوم به حبس شدن بدترین عواقب متهم شدن آنان به ارتکاب "جرایم اخلاقی" نیست. تعدادی زیادی از زنان و دختران که از منزل فرار کرده اند هراس داشتند که شوهران و اعضای فامیل آنان پس از اینکه این زنان و دختران از حبس رها گردند، آنان را به دلیل بر باد دادن آبرو و حیثیت فامیل های شان به قتل خواهند رساند. این ترس و هراس با در نظر داشت میزان وقوع "قتل های ناموسی" در افغانستان قابل توجیه میباشد. خانه های امن محافظت شده که توسط تعدادی از سازمان های غیر دولتی شجاع افغانی اداره میگرددند، تنها گزینه است برای تعدادی از این زنان و دختران تا زنده بمانند. ولی این خانه های امن صرف در بخش های کمتر محافظه کار این کشور وجود داشته و با تهدیدات مخالفین که به خانه های امن متذکره به چشم "فاحشه خانه" نگاه کرده و خواهان بسته شدن آن میباشند، مواجه است.

زن دیگری در مصاحبه با دیده بان حقوق بشر اظهارداشت که آنان باید میان دو چیز یکی را انتخاب کنند: زندگی باتحمل خشونت و یا زندگی بدور از اطفال شان را. تعدادی دیگری اظهار داشتند که میخواهند با فامیل های شان ملحق گردند- جاییکه خشونت ها غیرقابل اجتناب است. چون اگر برنگردند، شوهران شان اطفال خورد این زنان را به آنان مسترد نخواهند کرد.

غم انگیزتر اینکه، تعداد زیادی از زنان و دختران که با ما مصاحبه کردند خود شانرا در قبال جرایم ارتکاب یافته بر علیه آنان مقصر میدانستند. اکثر آنان به نظر میرسید که پدیده رضایت را با سرنوشت شان بی ارتباط میدانند. این پدیده نشان میدهد که

تعریف قانون منع خشونت علیه زن از جرم تجاوز جنسی هنوز نیاز دارد که به آگاهی عموم رسانیده شده و یا برداشت های قبلی از تجاوز جنسی باید طبق تعریف جدید تغییر نماید. فوزیه س. چنینکه میخواست توضیح دهد که چگونه پس از فرار نمودن از منزل مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و زمانیکه به پولیس شکایت نموده توسط پولیس دستگیر گردیده است، میگوید: " من از تمام کارهاییکه انجام دادم {فرار کردن} احساس شرم و خجالت میکردم. من مسئول تمام وقایعی بودم که اتفاق افتاد. پدرم اینجا آمد و گفت که مرا میبخشد و من میتوانم به خانه برگردم. برایم بسیار شرم آور بود. چون من دختر او بودم. حتی نمیتوانم خودم را ببخشم."

این وضعیت توسط تغییر موضع گیریهای رئیس جمهور کرزی در مورد حقوق زنان وخیم تر شده است. رئیس جمهوری که نمیخواهد و یا نمیتواند در مقابل جریان های محافظه کار فعال در کشور موضع گیری هماهنگ و ثابت داشته باشد، اکثراً مصلحت هایی را ترجیح داده است که بالای حقوق زنان اثرات منفی برجای گذاشته است. که این مصلحت اندیشی ها شامل استخدام افراد محافظه کار در ستره محکمه و حمایت از تصویب قانون تبعیض آمیز احوال شخصیه اهل تشیع در سال 2009 میلادی نیز میگردد.

در ماه مارچ 2012 رئیس جمهور کرزی از مصوبه شورای علمای افغانستان رسماً حمایت کرد. در این مصوبه آمده است که مردان اصل و زنان فرع بوده و زنان باید از سفر نمودن بدون محرم شرعی اجتناب نمایند. و همچنین زنان باید از اختلاط با مردان بیگانه در عرصه های مختلف اجتماعی مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سایر شئون زندگی دوری جویند. مصوبه شورای علماء به طور ضمنی میرساند که در بعضی حالات و شرایط اعمال خشونت علیه زنان قابل قبول است. حامد کرزی بعداً موضع خود را چنین بیان کرد: " شورای علمای افغانستان کدام محدودیت جدیدی را بر زنان وضع نکرده است. بلکه محدودیت های متذکره بخشی از قانون شریعت است که برای تمام مسلمانان و مردم افغانستان قابل احترام میباشد."

طوریکه ایالات متحده آمریکا و سایر ممالک دنیا آمادگی میگیرند تا حضور نظامی و سایر تعهدات شانرا در افغانستان به طور فزاینده کاهش دهند(گفته میشود که قوت های نظامی امریکا در آخر 2014 میلادی افغانستان را ترک میکنند)، این کشورها و همچنین دولت افغانستان ضرورت دارند تا توجه شانرا بالای ایجاد تهداب ها و پایه های نیرومندتری برای حمایت از حقوق زنان از نو متمرکز سازند. با گذشت ده سال از سقوط حکومت طالبان خشونت های اعمال شده علیه زنان و دختران همچنان گسترده بوده ولی میزان جبران خسارات و اعاده حقوق زنان متضرر یا اصلاً وجود ندارد و یا اگر وجود دارند خیلی محدود است. واقعاً خنده دار است وقت دیده میشود که منابع خیلی محدود عدالت جزایی افغانستان در راستای تعقیب و محکوم نمودن زنان و دختران به اتهام ارتکاب اعمالی به مصرف میرسد که اصلاً جرم نیست. در حالیکه اکثر مجرمین و ناقضین حقوق بشر و اعمال کنندگان خشونت علیه زنان و دختران به طور عموم از تعقیب عدلی معافیت حاصل میکنند.

پیشنهادات کلیدی

دیده بان حقوق بشر از حکومت افغانستان و همکاران بین المللی آن می‌خواهد تا در جهت خاتمه دادن به خشونت های مورد نظر این گزارش باجدیت و قاطعیت عمل کنند.

چگونگی برخورد با زنان و دختران متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" لکه تاریکی است بر چهره حکومت افغانستان پس از سقوط طالبان و همچنین حامیان بین المللی آن. چون تمام حامیان بین المللی حکومت افغانستان تعهد کرده بودند که حکومت جدید افغانستان بر خلاف حکومت طالبان، حقوق زنان را رعایت خواهند کرد. این واقعیت که با وجود 10 سال حضور فعال جامعه بین المللی در افغانستان و کمک های سرازیر شده به این کشور، هنوز پدیده خشونت علیه زنان در افغانستان از بین نرفته است نشان می‌دهد که حامیان بین المللی حکومت افغانستان ضرورت دارند تا حقوق زنان را به عنوان یک اولویت مهم در اجندای سیاسی و مساعدت مالی خویش با حکومت افغانستان مطرح کنند. اینکه چگونه به این مسایل رسیدگی صورت می‌گیرد، معیاری است که توسط آن میتوان میزان موفقیت و عدم موفقیت حکومت افغانستان و جامعه بین المللی را در سال های آتی مورد ارزیابی قرارداد.

گزارشگر خاص سازمان ملل متحد در امور مربوط به محو خشونت علیه زنان از حکومت افغانستان خواسته است تا " قوانینی (مخصوصا قوانین ومقررات مربوط به زنا) را که اعمال کننده تبعیض علیه زنان دختران بوده و منجر به محکوم شدن آنان به حبس و مجازات های خشن، غیرانسانی و مخالف شان انسانی میگردند، ملغی سازد." ² کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق اطفال از افغانستان خواسته است تا " تخلفات مورد نظراین کمیته را به صفت جرم به رسمیت نشاخته و اطفالی توقیف شده به اتهام ارتکاب همچون تخلفات را، رها سازد." ³

اولین اقدامات که باید توسط حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن در جهت حمایت بهتر از حقوق زنان و دختران در قضایای مورد نظر این گزارش، اتخاذ گردد، عبارت است از تطبیق دو اصل اساسی ذیل: (مجموعه پیشنهادات دیده بان حقوق بشر به حکومت افغانستان و حامیان بین المللی آن در آخر این گزارش تذکریافته است).

اول اینکه، محض فرارنمودن از منزل بدون توجه به اینکه انگیزه آن رهایی از خشونت بوده است و یا کدام دلیل دیگر، نباید جرم تلقی گردد. جهت تحقق این اصل:

- ستره محکمه افغانستان باید مصوبات سالهای 2010 و 2011 میلادی را که به منظور جرم انگاری نمودن "فرار از منزل" صادر کرده بود لغو نموده و آنرا با مصوبه جدیدی که "فرار از منزل" را جرم ندانسته و این عمل را طبق ماده 130 قانون اساسی قابل مجازات نداند، جایگزین کند.

²- راپور گزارشگرخاص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد راجع به خشونت های اعمال شده علیه زنان، علل وعواقب آن. این راپور درمورد وضعیت زندگی زنان ودختران درافغانستان به نشر رسیده است. اسناد سازمان ملل، الف/ 421/58، 6 اکتوبر 2003 میلادی.

³- کمیته حقوق طفل، نتیجه گیری تبصره های مربوط به افغانستان، 1/CRC/C/AFG/CO/1، 4 اکتوبر 2011، پاراگراف 75(ج).

- رئیس جمهور کرزی باید یک فرمان اجرایی را مبنی بر اینکه طبق قوانین افغانستان با قضایای "فرار از منزل" نباید به حیث جرم برخورد صورت گیرد صادر نموده و خاطرنشان سازد که تمام افرادی که در حال حاضر به اتهام ارتکاب جرم "فرار از منزل" محکوم گردیده اند و یا در آینده محکوم خواهند شد، مورد عفو قرار خواهند گرفت.
- دونه‌های بین المللی باید تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، جلوگیری از تعقیب عدلی قضایای "فرار از منزل"، تعدیل قوانین و مقررات حاکم بر زنا و موضوعات فامیلی و تعدیل و اصلاح سایر قوانین اعمال کننده تبعیض علیه زنان را به عنوان مسایل کلیدی در مذاکرات و همکاریهای سیاسی شان با حکومت افغانستان مطرح کنند.

دوم اینکه، زنان و دختران متضرر از ازدواج های اجباری، خشونت های فامیلی، سوء استفاده های جنسی و سایر جرایم باید به شکل بهتری مورد حمایت قرار گرفته و مرتکبین این نوع جرایم به شکل سیستماتیک تری تحت تعقیب عدلی قرار گیرند. جهت تحقق این اصل:

- اداره لوی ثارنوالی افغانستان باید رهنمودهای لازم را برای خارنوالان صادر نموده و به آنان وظیفه دهد تا تمام ادعاهای جرمی ارتکاب یافته علیه زنان به موجب قانون منع خشونت علیه زن و سایر قوانین را رسماً تحقیق نموده و اتهامات را به شکل قرارهای صادره همراه با اسناد و دلایل الزام وارد نماید. و همچنین خارنوالان را موظف سازد تا قضایا را کاملاً تحقیق نموده و مشخص کنند که زنان متهم به ارتکاب جرایم اخلاقی جهت رهایی از خشونت فرار کرده اند و یا به دلایل دیگر.
- وزارت امور داخله باید به موظفین پولیس آموزش دهد که آنان مکلف اند تا تمام معلومات مربوط به تمام قضایای خشونت و یا سایر جرایم احتمالی به موجب قانون منع علیه زنان را فوراً به خارنوالان مربوطه راپوردهند.

کشورهای دونه بین المللی باید حمایت های باثبات، قابل پیش بینی و درازمدت را برای "خانه های امن" به شمول توسعه و ارتقای ظرفیت سیستم خانه های امن کنونی و ایجاد خانه های امن "باز"، ایجاد خانه های مصئون برای زنان که از حبس رها میگردند و حمایت های درازمدت از زنان که به طور دایم قادر به بازگشت به فامیل های شان نمی باشند، فراهم سازد.

بخش ششم: پیشنهادات

به رئیس جمهور افغانستان:

- صادر نمودن یک فرمان اجرایی مبنی بر اینکه طبق قوانین افغانستان با قضایای "فرار از منزل" نباید به حیث جرم برخورد صورت گرفته و خاطرنشان ساختن اینکه تمام افرادی که در حال حاضر به اتهام ارتکاب جرم "فرار از منزل" محکوم گردیده اند و یا در آینده محکوم خواهند شد، مورد عفو قرار گیرند .
- دادن هدایت به وزارت عدلیه مبنی بر اینکه مقررات مربوط به "زنا" در قوانین افغانستان را تعدیل نموده و این مقررات را با تعهدات حقوقی افغانستان در سطح بین المللی هماهنگ سازد. همکاری با پارلمان در راستای تصویب تعدیلات ایجاد شده در مقررات مربوط به زنا.
- فرستادن مسوده جدید قانون خانواده به پارلمان و حصول اطمینان از اینکه تمام احکام تبعیض آمیز موجود در قانون مدنی فعلی توسط قانون جدید خانواده تعدیل و اصلاح گردد. همکاری با پارلمان در راستای تصویب قانون جدید خانواده به شکلی که با مقررات و نورمهای بین المللی همخوانی داشته باشد.

به ستره محکمه:

- ملغی ساختن مصوبات صادره سالهای 2010 و 2011 میلادی جهت جرم زا ساختن ن "فرار از منزل" و جایگزین ساختن آن با مصوبه جدیدی که "فرار از منزل" را جرم ندانسته و آنرا طبق ماده 130 قانون اساسی قابل مجازات نداند.
- تازمانیکه قوانین و مقررات افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، تمام دوسیه های مربوط به "جرایم اخلاقی" را مجدداً از نقطه نظر خلاها و مشکلات مربوط به تطبیق درست قوانین شکلی به شمول محکومیت متهمین با فقدان دلایل الزام کافی، عدم توجه کافی به دفاعیه های متهمین، محکومیت براساس اعترافات اجباری مورد غور و بررسی قرار داده و تمام فیصله هایی را که بدون رعایت قوانین شکلی و موازین محاکمه عادلانه صادر گردیده اند، ملغی نماید. ستره محکمه باید دوسیه های تمام افرادی را که به اتهام ارتکاب "جرایم اخلاقی" تحت توقیف قرار داشته و یا محبوس اند تدقیق نموده و دوسیه های اطفال (افراد زیر سن 18 سال) تحت توقیف و یا محبوس را در اولویت قرار دهد. و همچنین ستره محکمه باید دوسیه های متهمین و محکومینی را که جهت رهایی از خشونت های فامیلی، خشونت جنسی و یا ازدواج های اجباری و زیر سن از منزل فرار نموده اند، را، در اولویت قرار دهد. ستره محکمه باید پروسه تدقیق و بررسی مجدد دوسیه ها را تا آخر سال 2012 میلادی تکمیل نماید.
- صادر نمودن مصوبه جدیدی مبنی بر اینکه محاکم نباید قضایای "جرایم اخلاقی" و یا سایر قضایای جزایی را بدون حضور وکیل مدافع مورد رسیدگی قرار داده و همچنین محاکم باید وکلای مدافع غیرحاضر و یا وکلای مدافعی که آمادگی لازم دفاع در محاکم را ندارند به مورد نظارت انجمن مستقل وکلای مدافع معرفی نماید.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای قضات و توضیح دادن مکلفیت های آنان به موجب ماده های 7، 32، 38، 51 و 55 اصول محاکمات جزایی موقت و خاطرنشان ساختن این امر که صرفاً معلومات و شواهدی که مطابق احکام ماده های فوق الذکر جمع آوری گردیده باشد، نزد محاکم مدار اعتبار بوده و در فیصله های محاکم قابل ذکر میباشد. "اعترافات" گرفته شده باید از نطقه نظر اجباری نبودن بررسی گردیده و صرفاً اعترافاتی مدار اعتبار میباشد که در حضور وکیل مدافع هنگام تحقیق اخذ شده باشد. به همین شکل، سایر اسناد و شواهد

جمع آوری شده نیز صرفاً زمانی قابل اعتبار می باشد که به وکلای مدافع مربوطه هنگام جمع آوری آن جهت حضور اطلاع داده شده و به آنان اجازه حضور در جریان تحقیق داده شده باشد. تنها معلومات که بدون در نظر داشت مفاد ماده های 38 و 55 اصول محاکمات جزایی جمع آوری گردیده و شامل اسناد و شواهد میگردد عبارت است از شهادت شهود و نظر اهل خبره که مطابق احکام ماده 51 اصول محاکمات مدنی اخذ میگردد. ادعاهایی محض که از طریق شهود و جرح شهود قابل اثبات نیستند، نباید طرف قبول محاکم قرار گیرند.

- تطبیق نمودن کامل احکام قانون تخلفات اطفال که این قانون تامین "منافع اطفال" را عامل تعیین کننده در رسیدگی به تخلفات اطفال میدانند.
- توقیف اطفال زیر سن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.

به لوی خارنوالی:

- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان مبنی بر اینکه آنان نباید اشخاص را مطابق ماده 130 قانون اساسی تحت تعقیب جزایی قرار دهند.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان مبنی بر اینکه از مظنونین باید صرفاً در حضور وکلای مدافع شان تحقیق صورت گیرد.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم مبنی بر اینکه تا حد ممکن جهت تحقیق از زنان مظنون از خارنوالان طبقه اناث کارگرفته شود.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای خارنوالان و موظف ساختن آنان مبنی بر اینکه باید تمام ادعاهای جرمی ارتکاب یافته علیه زنان به موجب قانون منع خشونت علیه زنان و سایر قوانین را رسماً تحقیق نموده و اتهامات را به شکل قرارهای صادره همراه با اسناد و دلایل الزام وارد نماید. و همچنین خارنوالان موظف شوند تا قضایا را کاملاً تحقیق نموده و مشخص سازند که زنان متهم به ارتکاب جرایم اخلاقی جهت رهایی از خشونت فرار کرده اند و یا خیر.
- تا زمانیکه قوانین و مقررات مربوطه افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، با در نظر داشت تخلفات قانونی ای که در روند تحقیق و محاکمه قضایای "جرایم اخلاقی" صورت میگیرند و با در نظر داشت اینکه تخلفات صورت گرفته مخالف مفاد معاهدات بین المللی حقوق بشر میباشند، برای رسیدگی به قضایای "جرایم اخلاقی" فوراً یک "مهلت قانونی" را در نظر گرفته و روند رسیدگی را برای مدت معینی به تعویق اندازد. در نبود این مهلت قانونی، از رسیدگی به تخلفات اطفال (زیر 18 سال) در قضایایی "جرایم اخلاقی"، قضایای زنان و دختران که ادعای متضرر شدن از خشونت های فامیلی، خشونت های جنسی، ازدواج های اجباری و زیر سن را دارند و یا قضایایی که در آن کارمندان موظف اجتماعی توصیه عدم رسیدگی را میکنند، اجتناب نماید.
- تطبیق نمودن کامل احکام قانون تخلفات اطفال که این قانون تامین "منافع اطفال" را عامل تعیین کننده در رسیدگی به تخلفات اطفال میدانند.
- توقیف اطفال زیر سن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم مبنی بر اینکه خارنوالان قبل از اینکه در خواست عدم رسیدگی به قضایا را که از جانب کارمند اجتماعی موظف وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین صورت میگیرد را رد نماید، باید موافقت شخص لوی خارنوال را حاصل کند.

به وزارت امور داخله:

- تازمانیکه قوانین و مقررات مربوطه افغانستان اصلاح و تعدیل میگردند، با در نظر داشت تخلفات قانونی ای که در روند تحقیق و محاکمه قضایای "جرایم اخلاقی" صورت میگیرند و با در نظر داشت اینکه تخلفات صورت گرفته مخالف مفاد معاهدات بین المللی حقوق بشر میباشند، به پولیس هدایت دهد تا از تحقیق و یا تعقیب فعال قضایای مربوط به "جرایم اخلاقی"، مخصوصاً قضایای اطفال زیرسن 18 سال، قضایای زنان و دختران که ادعای متضرر شدن از خشونت را دارند، قضایایی که کارمند موظف اجتماعی خواهان عدم رسیدگی به آن شده است و یا قضایایی که در آن شخصی راپور مفقود شدن زن و یا دختری را داده ولی بعداً راپور خود را پس گرفته باشد، خود داری نماید.
- صادر نمودن رهنمودهای لازم برای موظفین پولیس مبنی بر اینکه تبعیضات جنسیتی (جندر) نباید بالای تصامیم پولیس از نطقه نظر میزان تعهد آنان نسبت به تعقیب قضایا به شمول قضایای "جرایم اخلاقی" اثرگذار باشد.
- صدور هدایات و دستورالعمل های کتبی مبنی بر اینکه انجام تحقیقات مقدماتی از متهمین زن باید توسط پولیس طبقه اناث صورت گیرد. و همچنین خاطرنشان ساختن این امر که تمام مظنونین جنایی صرفاً در حضور وکلای مدافع شان مورد پرس و جو قرار گیرند.
- افزایش تلاشها جهت استخدام و حفظ مامورین پولیس طبقه اناث از طریق راه اندازی کمپاین های لازم جهت استخدام پولیس زن و بهبود شرایط استخدام آنان.
- گماشتن موظفین پولیس زن در واحدهای پاسخ به مشکلات فامیلی.
- ایجاد و انکشاف پروگرام های آموزشی برای پولیس - مخصوصاً پولیس طبقه اناث راجع به خشونت های جنسی به شمول انجام تحقیق مقدماتی به روش های مناسب و ارزیابی و مستند سازی این امر که آیا روابط جنسی تحت تحقیق با رضایت صورت گرفته است و یاخیر.
- آموزش دادن موظفین پولیس مبنی بر اینکه آنان مکلف اند تا تمام معلومات مربوط به تمام قضایای خشونت و یا سایر جرایم احتمالی به موجب قانون منع علیه زنان را فوراً به خارتوالان مربوطه راپور دهند.
- توقیف اطفال زیرسن 18 سال باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شده و توقیف باید برای کوتاه ترین مدت ممکن صورت گیرد.

به وزارت امور زنان:

- حمایت از "خانه های امن" و تلاش در جهت توسعه سیستم خانه های امن افغانستان به شمول محافظت کردن از این خانه ها. در صورتیکه امکان ایجاد خانه های امن در ولایت خاصی موجود نباشد، ایجاد میکانیزم های لازم جهت کمک به زنان متضرر از خشونت در آن ولایت تا بتوانند به خانه های امن ولایات دیگر به طور مصئون انتقال داده شوند.
- حمایت از پروگرام های آگاهی دهی برای زنان محبوس - به مجرد که آنان حبس میگردند - در مورد اینکه اگر آنان نمیتوانند پس از سپری نمودن مدت حبس به شکل مصئون به خانه های شان برگردند، میتوانند به خانه های امن بروند.
- حمایت از پروسه ایجاد مراکز انتقالی بیشتر مخصوصاً برای زنان و دختران که جدیداً از محبس رها میگردند.
- حمایت از پروسه های مربوط به ارایه خدمات لازم برای زنان و دختران که به طور دایم قادر به بازگشت به خانه ها و فامیل های خویش نمیشوند. این خدمات شامل تهیه سرپناه امن

که در آن زنان و دختران بتوانند فرصت های آموزشی و شغلی را تعقیب کنند و همچنین کمک های لازم جهت دسترسی به همچون فرصتها را دریافت نمایند، نیز میگردد.

به وزارت کار، اموراجتماعی، شهداء و معلولین:

- ارتقای ظرفیت وزارت کار و اموراجتماعی جهت تهیه راپورهای تحقیقی اجتماعی در قضایای جزایی.
- تهیه همچون راپورها در تمام قضایایی که زنان و دختران در آن قضایا متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" میباشند.

به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان:

- تقویت و توسعه قابل ملاحظه ای ظرفیت ها و امکانات کمیسیون مستقل حقوق بشر جهت کمک به زنان و دختران که مورد خشونت فامیل و یا اعضای خانواده خسرخویش قرار میگیرند.
- راه اندازی کمپاین های وسیع آگاهی عامه در سطح ملی با پیام های ذیل:
 - ازدواج های اجباری، ازدواج های زیرسن قانونی، خشونت های فیزیکی و مجبوساختن به فحشاء جرم بوده و هرکسی که از جرایم متذکره متضرر گردیده باشند، میتوانند به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه نموده و خواهان کمک گردد.
 - زنان و دختران میتوانند جهت دریافت کمک با کمیسیون در تماس شده و در صورت لزوم خواهان کمک در قسمت راهنمایی و معرفی زنان به خانه های امن گردد.
 - زنان و دختران حق دارند که به محاکم مراجعه نموده و تقاضای تفریق کنند. و همچنین آنان حق دارند که پس از طلاق/ تفریق سرپرستی اطفال شان را بر عهده داشته باشند. حضانت دختران که سن 9 سالگی را تکمیل نکرده باشد و پسران که سن 7 سالگی را تکمیل نکرده باشد به عهده مادر بوده و همچنین در صورتیکه مادر برای تامین منافع طفل بهتر تشخیص گردد، حضانت اطفال بالاتر از سنین فوق نیز به وی سپرده خواهد شد.
 - زنان و دختران میتوانند به مساعدت های حقوقی جهت دفاع از حقوق شان دسترسی داشته باشند. کمیسیون حقوق بشر میتواند آنان را جهت دسترسی به این خدمات راهنمایی و کمک نماید.
- بعد از آنیکه قانون خانواده اصلاح و تعدیل گردیده و احکام تبعیض آمیز آن از میان بروند، راه اندازی کمپاین های آگاهی عامه به منظور آرایه معلومات جدید درمورد حقوق زنان شروع گردد.

به انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان:

- وضع معیارها، رهنمودها و موازین مفصل برای وکلای مدافع جهت دفاع مناسب از موکلین شان. این رهنمودها شامل ضرورت اینکه وکلای مدافع درجلسات قضایی با آمادگی کامل اشتراک نمایند، نیز باید باشد.
- ایجاد پروگرام های آگاهی دهی از طریق پخش و نشر پوستر و اطلاعیه برای اشخاص محبوس در محابس و توضیح این مطلب که آنان چه توقعاتی میتوانند از وکلای مدافع شان داشته باشند. این اطلاعیه ها و پوسترها همچنین باید توضیح دهد که محبوسین باید کم

کاربهای وکلای مدافع شان را در صورتیکه کارکردهای آنان طبق معیارها نباشد، به بورد نظارت انجمن مستقل وکلای مدافع گزارش دهد.

- یک پروسه ساده را جهت شکایت محبوسین از وکلای مدافع شان در صورتیکه وکلای مدافع به شکل حرفوی رفتارکنند، ایجاد نماید.
- وضع رهنمودهای خاص برای وکلای مدافعی که از قضایای زنان و دختران در موضوعات جزایی دفاع میکنند به شمول ارایه معلومات در مورد خشونت های جنسی، چگونگی انجام تحقیق از متضررین به شکل مناسب و چگونگی ارزیابی مسایل مربوط به رضایت و مستند سازی آن.

به سازمان ملل متحد و دونهای بین المللی:

- تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، جلوگیری از تعقیب عدلی قضایای "فرار از منزل" ، تعدیل قوانین و مقررات حاکم بر زنا و موضوعات فامیلی و تعدیل واصلح سایر قوانین اعمال کننده تبعیض علیه زنان را به عنوان مسایل کلیدی در مذاکرات وهمکاریهای سیاسی شان با حکومت افغانستان مطرح کنند.
- تعهدات جدید، درازمدت، اساسی و محسوسی را نسبت به حمایت از حقوق زنان در افغانستان از طریق حمایت های سیاسی، تخنیکی و اقتصادی متعهد شوند. اولویت های تحت پوشش همچون تعهدات باید شامل موارد ذیل گردد:
 - حمایت های دوامدار، قابل پیش بینی و درازمدت از "خانه های امن" به شمول توسعه و ارتقای ظرفیت سیستم خانه های امن کنونی و ایجاد خانه های امن "باز"، ایجاد خانه های مصئون برای زنان که از حبس رها می شوند و حمایت های درازمدت از زنان که به طور دایم قادر به بازگشت به فامیل های شان نمی باشند.
 - فراهم سازی مساعدت های حقوقی برای زنان و دختران در موضوعات فامیلی.
 - راه اندازی یک کمپاین دوامدار آگاهی عامه در سطح ملی جهت مشوره دهی به زنان و دختران در مورد حقوق شان به موجب قانون منع خشونت علیه زن وقانون فامیلی و توضیح اینکه چگونه اشخاص میتوانند در چنین مسایلی کمک های لازم را بدست آورند.
 - ارایه خدمات اجتماعی و مشورت حقوقی برای زنان محبوس طوریکه هرزن و دختر بدانند که آنان مجبور نیستند که حتماً پس از سپری نمودن مدت حبس شان به خانه برگشته و مجددا در معرض خشونت و یا تهدیدات مرگ قرارگیرند.
- تداوم حمایت از واحدهای پاسخ به مشکلات فامیلی و خانونالی های اختصاصی منع خشونت علیه زنان و ارتباط دادن این حمایت ها به انجام ارزیابی های مستقلانه جهت حصول اطمینان از اینکه میکانیزم های متذکره به اهداف شان نایل میگردند.
- ایجاد یک میکانیزم هماهنگی برای کشورهای مختلف جهت اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از زنان به شمول پناهندگی دادن به تعدادی محدودی زنان و دختران که زندگی شان در داخل افغانستان با خطر مواجه میباشد.